

## چرا "جوانان کمونیست"؟

بهرام مدرسی



خرداد برای بزرگ کردن چهره رژیم اسلامی از طرف دیگر شرایط سیاسی بسیار حساسی را ایجاد کرده است. ترس رژیم اسلامی از انفجار این شرایط را میتوان از بساط اعدام و شلاق زنی و صدور احکام اسلامیشان علیه مردم و جوانان دید. با برچیده شدن بساط جبهه دوم خرداد و تمام شلنگ تخته‌بازی‌های وابستگان به این جبهه راه دیگری جز سرکوب علنی برای هر دو جناح رژیم باقی نمانده است.

حالی است که سهم بخش اعظم این نسل از حاکمیت اسلامی چیزی جز سرکوب خشن، محرومیت سیاسی، فرهنگی، بیکاری و ناامنی اقتصادی و اجتماعی نبوده است. توقعات و باورهای روزمره این نسل تنها قربانی با اسلام و جمهوری اسلامی ندارد که دقیقاً ضد آن و مخالف آن است. نسل جوان در ایران هنوز جنگ اصلیش را با رژیم اسلامی نکرده است. استفاده این نسل معترض از امکانات اجتماعی که خود یکی از بانیان ایجاد آن بود از یکطرف و شکست پروژه دوم

اولین شماره "جوانان کمونیست" نشریه سازمان جوانان کمونیست را در دست دارید. انتشار این نشریه به تصویب کمیته مرکزی منتخب کنگره اول رسید و سردبیری آن به عهده من گذاشته شد. این نشریه جمعه‌های هر هفته منتشر میشود. آنچه که انتشار چنین نشریه‌ای را ضروری میکند در درجه اول نمایندگی شدن کمونیسم کارگری در جنبش جوانان و جنبش دانشجویی است. بیش از نیمی از جامعه ایران را جوانان تشکیل میدهند و این در

ندارد، این سیاست به شکست خواهد انجامید چراکه خواست مردم و در اینجا جوانان برای آزادی، رفاه، برابری، و جامعه‌ای پری از جهل و خرافه اسلامی چندان قوی است که موج سرکوبهای اخیرشان تنها عزم مردم را در کنار زدنشان بیشتر خواهدکرد.

جمهوری اسلامی رفتنی است این دیگر واقعیتی هرروزه در کوچه و محله برای همه است. سوال اما اینست که چه نیرویی و چه حکومت سیاسی باید جای جمهوری اسلامی را بگیرد؟ جواب هرچه باشد، از دوحال خارج نخواهد بود: یا حکومتی راست با هدف حفظ ارکان رژیم سرمایه‌داری که استفاده خودش را از رژیم اسلامی کرده است، کیسه خود را از صدقه سر سرکوب رژیم اسلامی پر کرده است و دست به شکلی دیگر از حاکمیت خود میبرد و یا

حکومتی چپ و سوسیالیستی که اساسا نفعی در حفظ هیچیک از ارکان رژیم سرمایه‌داری و نماینده اسلامی آن ندارد. جنبش کمونیسم کارگری نمایندگی جواب دوم را میکند.

سازمان جوانان کمونیست و نشریه "جوانان کمونیست" متعلق به این جنبش هستند. جنبشی که دشمن استثمار و نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی، فقر و محرومیت، زن ستیزی و بیحقوقی سیاسی است. جنبشی مخالف مذهب، ملیت و خرافه پرستی است. جنبشی که مبنایش آزادی، برابری و عشق به هموع است. جنبشی که شعارش سرنگونی رژیم اسلامی، نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران است. نشریه "جوانان کمونیست" نماینده این هدف در جنبش جوانان است برای این نشریه بنویسید و آنرا پخش و تکثیر کنید.

## جنبش جوانان و روندهای سیاسی

آینده

### گفتگویی با ثریا شهابی و سیاوش دانشور



چماق اسلامی بچرخانند. راست در حال حاضر تماما دست بالا را دارد. تق و ناله های رئیس جمهورش هم در مورد به خطر افتادن نظامشان، دیگر برای مردم تهوع آور شده است. این از وضعیت دو جناح در حکومت!

اما نیروی سوم یعنی مردم، بعد از شکست پروژه دو خرداد، مستقل تر و قائم به ذات تر پا به میدان می گذارند. زنان،

سرنگونی مردم دیگر ابزار مناسبی برای مخالفت با حکومت اسلامی نیست. اوضاع فعلی را شما چطور ارزیابی میکنید؟

**ثریا شهابی:** در اوضاع فعلی، از دو خرداد جز پوسته ای باقی نمانده است. همه خاصیت لبخند های خاتمی و حرفهای گنده و بی محتوایش، خریدن چهار سال وقت بیشتر برای رژیم بود تا باز بتوانند به شیوه «متعارف» جمهوری اسلامی حکومت کنند. خریدن فرصت بود تا باز گرز و

**جوانان کمونیست:** جنبش دوم خرداد به انتهای کار خود رسیده است و برای جنبش

### رادیو انترناسیونال

۲۵ متر  
۱۱۶۳۵ کیلوهرتز  
۹ تا ۹:۴۵ شب  
بوقت تهران  
radio7520@yahoo.com  
به دیگران اطلاع بدهید  
تلفن:  
0044 771 461 1099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو  
0044 208 962 2707

## جوانان و اسلام

سیاوش دانشور



مباحث اخیر جناحهای رژیم در باره شیوه آزار و شکنجه جوانان و مردم ایران، هرچند به وضوح عمق کراهت و توحش اسلاميون را بنمایش میگنارد، در عین حال فلج سیاسی و بن بست همه جانبه کل حکومت اسلامی در مقابل واقعیات سیاسی - اجتماعی جامعه ایران را برملا میکند. صورت مسئله ساده و لاینحل است: جوانان ایران، نسلی در مقیاس دهها میلیونی، علیه اسلام و ارزشهای اسلامی و حاکمیتی که آن را پاسداری میکند پیا خواسته است. نسل جوان، اسلام و حکومت اسلامی نمیخواهد. قوانین اسلامی مایه جوک و تمسخر در هر جمع و

## جوانان و اسلام

این مباحثات برمیگردد. اما نکته مهم و اساسی موضوع دیگری است. آنچه که اوپاش حکومتی را به جان هم انداخته است، به مصاف طلبیده شدن اسلام و دستگاه سرکوب اسلامی، بعنوان ارکان اصلی حکومت، توسط نسل جوان است. جنبش ضد اسلامی آنچه امروز معضل واقعی رژیم اسلامی است، نفرت عمیق و توده ای مردم ایران بویژه جوانان و زنان از مذهب و اسلام است. جنبش ضد مذهبی هیچوقت و در هیچ دوره ای از تاریخ سیاسی ایران تا این حد وسیع نبوده است. جامعه امروز ایران با یک موج عظیم برگشت علیه مذهب و ارزشهای اسلامی روبروست. این یک رکن جدی تحولات سیاسی آتی است. این جنبش ضد مذهبی نه فقط امر اسلام زدائی در ایران را هدف خود قرار داده است بلکه با شکست یکی از مراکز مهم قدرت جنبش

اسلامی، کل اسلام سیاسی در خاورمیانه را به یک عقب نشینی جنی وادار خواهد کرد. یک دلیل عمده سیاسی عروج دو خرداد، بعنوان یک تلاش درون حکومتی برای بقا رژیم اسلامی و آمدن و رفتن "روشنفکران دینی"، مقابله با این موج برگشت ضد اسلامی بود. نفس تلاش برای تعدیل دستهای خونین و چهره عبوس اسلام توسط این جماعت، تلاشی برای جدا کردن حساب اسلام از حکومت اسلامی و نجات خود دین بود که مورد هدف جنبش ضد مذهبی در جامعه ایران قرار گرفته است. اما این دلقک بازی چند سال بیشتر طول نکشید. دو خرداد، زیر فشار نیروی خرد کننده جنبشهای اعتراضی جامعه ایران متلاشی شد و به حاشیه رانده شد. برگشت به نقطه اول: شلاق با بن بست و تلاشی دو خرداد و شکست خاتمی و خاتمیون از قالب زدن خواستهای مردم در چهار چوب حکومت، زنان و هویت همیشگی اسلام، یعنی شلاق و

## جوانان کمونیست

شکنجه و خونریزی به تنها راه حراست از پایه های پوسیده حکومت تبدیل میشود. اما این زیان و روش همیشگی رژیم اسلامی بوده است و تاریخ این رژیم از بدو به قدرت خریدنش در جریان سرکوب انقلاب ۵۷ تا امروز، چیزی جز شلاق و اسید پاشی و چاقو کشی و اعدام و کشتار جمعی و زنان نبوده است. تفاوتی اگر هست اینست که امروز دیگر سیاست ارباب و سرکوب کارائی خود را از دست داده است و مردم همین تنها رکن حکومت را به مصاف طلبیدند. مضافا اینکه رژیم اسلامی مشتت تر شده و مردم نیز با تنمه توهمات دو خرداد تعیین تکلیف کرده اند. خواستهای جوانان، زنان و اکثریت قاطع مردم با قدرت تمام سرگرایش است، نخواستن اسلام از هر نوعش ابعاد گسترده تری میگیرد و رژیم اسلامی و آخوندهای از گور برخاسته دوان دوان سراغ شلاق و چماق اسلام میروند. آیا موفق میشوند؟ میتوانند اکثریت یک جامعه ۶۵ میلیونی را هم

گرسنگی بدهند و هم شلاق بزنند؟ آیا این سیاست قابل ادامه ای است؟ مسلما نه. در مشاجرات جناحهای حکومت بر سر چگونگی اجرای احکام وحشیانه شلاق و شکنجه در خیابان و میدانهای شهر و یا در خفا و پشت دیوار زندانها و کمیته ها، وحشت از طغیان مردم پنهان نمیشود. غلامعلی ریاحی در روزنامه نوروز، ۱۳ آگوست، به صراحت به این موضوع اعتراف میکند. میگوید "اجرای مجازاتهای بدنی و فیزیکی نظیر شلاق و قصاص ریشه در شرع انور و اسلام دارد و قانون است، پس در اصل اجرای احکام سخنی نیست. صحبت در روش اجرای آنهاست". این توافق عمومی شان است، اسلام و حکومت اسلامی بدون شلاق و قصاص معنی ندارد. اسلام دین خون و جنایت و شکنجه و تسلیم است. مشکل حضرات اینست که اجرای این احکام در ملا عام نتیجه معکوس میدهد، خشم و ترحم عمومی را بر می انگیزد و در

کار جلب سرمایه گذاری و موضوع حقوق بشر اخلاص ایجاد میکند. پس بهتر است در شرایط فعلی در ملا عام صورت نگیرد. اما تعدادی دیگری از همین اوپاش فکر میکنند شکنجه جوانان و اجرای احکام سنگسار و قصاص در انتظار عمومی، قدرشان را به رخ مردم میکشد و آنها را سرگرایش مینشانند.

نسخه هر دو جناح پوچ و بیفایده است. جوانان و مردم ایران میدانند که این رژیم تا لحظه آخر دست از توحش برنخواهد داشت. این فرض مردم است. مشکل این نیست. مشکل اینست که شلاق پاسخ این موج برگشت ضد اسلامی نیست و تنفر از اسلام و قوانین و سرانش را تصاعدی عمق میدهد. مشکل اینست که دیگر سیاست شلاق و سرکوب طبق شرع اسلام کسی را به کرنش به قوانین اسلامی و حکومتش وادار نمیکند. مشکل بن بست همه جانبه حکومت در مقابل خواستهای آزادیخواهانه و

### صفحه ۴

و دار زدن ها در ملا عام است. این ارزیابی از نظر شما درست است؟

**ثریا شهابی:** بعد از پایان ارزش مصرف حربه به اصطلاح اصلاحات و جنبش دوخرداد، شلاق و دار در ملا عام آخرین وسیله و حربه سنتی رژیم بکار افتاده است. جمهوری اسلامی «راستین و واقعی» همین است. این حربه بی تردید در کوتاه مدت قربانی می گیرد و به این خاطر دردناک است.

اما آخرین تیر ترکش حکومت است. همه داد و فغان بازماندگان دو خرداد در مورد علنی شلاق زدن و علنی دار زدن و اجرای احکام الهی در خفا، برای همین است که بگویند این شیوه دیگر کارساز نیست. اما مگر رژیم اسلامی برای سرپا ماندن کار دیگری هم می تواند بکند. برای سر پا نگاه داشتن اسلام در قدرت توحش

### صفحه ۳

و کمونیسم و اپوزیسیون مارکسیست و کمونیست، و موج جدید عدالتخواهی کارگری است. هر کدامشان دیگری را از خطر سرنگونی میترسانند. رژیم اسلامی ناچار است در مقابل گسترش اعتراض مردم، به بند و بست و تشکیل آرایشها و صفبندیهای جدید دست بزند. اما دیگر دیر شده است. رژیم اسلامی راه حلی برای برون رفت از بحران ندارد. این رژیم راه پس و پیش ندارد. اینها نه میخواهند و نه میتوانند پاسخ ابتدائی ترین خواستهای مردم را بدهند. مردم هم بیش از این فرصت به این اوپاش نخواهند داد. دوره آتی دوره جدالهای سرنوشت ساز برای تعیین تکلیف سیاست در ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی در آخر خط است.

**جوانان کمونیست:** جواب رژیم اسلامی به ازکار افتادن دوم خرداد، احکام اخیر نیروهای امنیتی رژیم و موج شلاق زدن

## جنبش جوانان و روندهای سیاسی آینده

جوانان، کارگران و معلمان و همه مردم، امیدی به کمترین بهبودی از بالا ندارند. دیگر شکاف بین جناح های رژیم ابزاری برای پیشرویشان نیست به خود و نیروهای مردمی چشم می دوزند. نوبت نیروهای سرنگونی طلب رسیده است. مردم چشم به این نیروها دوخته اند. حزب کمونیست کارگری ایران یکی از نیروهای مطرح در این میدان است. مردم هنوز انتخاباتشان را نکرده اند اما این انتخاب هرچه باشد بی شک اسلام و اسلامی نخواهد بود. مردم شانس نیروهای سرنگونی طلب و غیر اسلامی را بررسی می کنند.

**سیاوش دانشور:** دو خرداد یک پاسخ درون حکومتی برای تناوم بقا حکومت اسلامی بود. پاسخی که تلاش داشت موج روزافزون اعتراض جوانان و مردم علیه بنیادهای حکومت مذهبی در ایران را قالب بزند. به عبارتی دیگر پدیده دو خرداد محصول دوران عقب نشینی رژیم اسلامی در مقابل مردم بود. همیشه وقتی حکومتهای دیکتاتوری و ارتجاعی در مقابل فشار جنبشهای آزادیخواهانه زیر منگنه قرار میگیرند، دوره "اصلاح طلبیهای دستگامی" شروع میشود. بخشی از خود حکومت و شرکای جرم و جنایت که فکر میکنند باید با اتخاذ روشهای دیگری این فشارها را پس بزنند. مردم هم این را میدانستند و درک میکردند. استفاده مردم از شکاف درون حکومتی، هدفش تعمیق این شکافها و تغییر توازن قوا به

نفع خودشان برای زدن ضربه نهائی به حکومت و نهایتا خلاص شدن از شر آن بود. بعد از ماجرای ۱۸ تیر و عروج توده ای و علنی جنبش سرنگونی رژیم اسلامی، این سیکل بسته شد. مشخصه اوضاع سیاسی امروز ایران، همانطور که ما پیشتر گفته بودیم، بن بست همه جانبه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حکومت اسلامی، گسترش بحران در بالا و تلاشی و انشقاق جناحهای رژیم، آماده شدن بیشتر جامعه و جنبشهای اعتراضی برای تعیین تکلیف نهائی با حکومت و تبدیل شدن راه حلهای بیرون حکومت برای سرنگونی جمهوری اسلامی به مرکز توجه مردم است. امروز بجای تکرار کسالت آور اسم رمزهای پوچ و بی محتوای "اصلاحات سیاسی" و "جامعه مدنی" و "مردمسالاری دینی"، صحبت از خطر سکولاریسم و جنبش ضد مذهبی، خطر کارگر

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## آینده

تنها راه است. اما توحش شان اینبار از سر استیصال و ناتوانی است. این را هردو جناح می دانند. دارند آخرین شانسان را امتحان می کنند. این امتحان اما بر زمین لرزان و شکننده ای تمرین می شود. میلیونها مردم متنفر از نظام اسلامی برایشان کمین کرده اند تا حمله شان را شروع کنند. بکار گیری حربه شلاق و دارد امروز تنها بازوت انفجار خشم مردم علیه شان را قوی تر می کند. این مردم را به میدان وسیع تری از حمله به هرچه اسلام و اسلامگیری است می کشاند. با این کارها بی تردید اسلام برای همیشه در ایران توسط مردم دفن خواهد شد.

**سیاوش دانشور:** این پاسخ همیشگی رژیم اسلامی به زیرپا گذاشتن روزمره قوانین اسلامی در آن جامعه بوده است. رژیم اسلامی بدون اعدام و شلاق و خونریزی و توحش معنی ندارد. این هویت و تاریخ این رژیم است. آنچه امروز تغییر کرده است، و فکر میکنم مهمترین مشخصه اوضاع سیاسی در ایندوره اخیر بوده است، اینست که مردم به این باور رسیده اند که میشود رژیم اسلامی را انداخت. وقتی تلقی مردم از خودشان و سلطه حکومت عوض میشود معنی اش اینست که

تنها رکن حکومت، یعنی دستگاه سرکوب، به مصاف طلبیده شده است. و رژیمی که نتواند مانند گذشته سرکوب کند و مردم را سرجایشان بنشانند کارش تمام است. در کنار این نکته مهم، جنبشی قوی علیه ارزشهای اسلامی و مذهب به صحنه آمده است و اسلام و مذهب و ارتجاع فکری و فرهنگی شرقی را پس میزند. وقتی دو خرداد قادر نشد این جنبش را مهار کند، تنها پاسخ برای رژیم همان شلاق و دار زدن است. اما همین هم سیاست قابل ادامه ای نیست و تنفر از حکومت اسلامی را تصاعدی عمق میدهد. مسئله اینست که شرایط امروز با سال ۶۰ فرق دارد. آنلوره رژیم اسلامی تعرض میکرد و انقلاب مردم را بخون میکشید، امروز مردم کمر راست کردند و جمهوری اسلامی دارد عقب مینشیند. این سیاست نه نقطه قدرت رژیم که از سر استیصال است. این سیاست بازی با آتش است. **جوانان کمونیست:** جواب مردم و جوانان به این موقعیت جدید چه باید باشد؟

**ثریا شهابی:** مردم، زنان و بخصوص جوانان که نیروی مهمی در میدان مبارزه با رژیم هستند، باید ضعف و ناتوانی رژیم را جدی تر ببینند. باید هر دستی که بر روی زن و جوانی بلند می شود را محکم بگیرند و زنجیر بزنند. باید هر مراسم شلاق زنی و دار زنی را به میدان مبارزه علیه این جانوران تبدیل کرد. بر دهان کف کرده این اوباش باید افسار زد. مردم نباید تنها با شرکت نکردن در مراسم شلاق و دار، خشم و نفرتشان را نشان دهند. این کافی نیست. باید هرکجا که مراسم دار و شلاق برپا است حاضر شد و از همه خواست که حاضر شوند، اجتماع کنند و اجازه ندهند جوانان و زنان زیر شمشیر کیشف اسلام جسم و روانشان لت و پار شود. باید کاری کرد که

اینجا جرات نکنند از ترس مردم کمترین تعرضی به جسم و روان مردم بکنند. این کار شدنی است. جوانان می توانند نیروی پیشرو برای برافراختن اجتماعات ضد شلاق و دار باشند. **سیاوش دانشور:** مردم دارند پاسخشان را میدهند. اعتراض به مراسم اعدام در تجریش، اعتراض به شلاق زنی در تهران و سمنان و شهرهای کردستان. باید این اعتراضات را گسترش داد و کاری کرد که جرات نکنند این بساط را پهن کنند. جمهوری اسلامی شکننده تر از آنست که بتواند این سیاست را حتی در کوتاه مدت پیش ببرد. ما این را بارها گفته ایم. هنوز یکماه نگذشته که با موج اعتراض مردم روبرو شدند، بجان هم افتادند و تعدادی از آنها میگویند در ملا عام اینکارها را نکنیم. استدلال اینها هرچه باشد، یک مسئله بسیار مهم و کلیدی است و آن وحشت از اعتراض و طغیان مردم است. اینها میدانند در جامعه چه خبر است. میدانند روی بوم ساعتی اعتراض مردم نفس میکشند. جوانان و مردم باید با درک دقیق این شرایط از هر فرصتی برای حمله به ارکانهای این حکومت و نیروهای سرکوبش استفاده کنند. باید خودشان را معکوس را در دستور بگذارند. پس نشستن تاکنونی حکومت خود بیانگر ناتوانی شان در اجرای این سیاست است. نباید به این اوباش فرصت داد. مهمتر، مردم امروز به مقطع انتخاب سیاسی رسیده اند. جمهوری اسلامی رفتنی است. اما رفتن رژیم اسلامی باید در عین حال پایان حاکمیت دولتهای ارتجاعی باشد. جوانان و مردم در ایندوره تعیین کننده از اوضاع سیاسی ایران باید بیش از پیش به جنبش کمونیسم کارگری بپیوندند. تنها راه حل کمونیستی است که میتواند نقطه پایانی بر این دور تسلسل ارتجاع پشت ارتجاع در ایران بگذارد. **جوانان کمونیست:** چطور میتوان گرد آلترناتیوی بیرون حکومت و

در این مورد کمونیستها گرد آمد؟ این بهانه ای بیشتر برای سرکوب به رژیم نمیدهد؟ **سیاوش دانشور:** رژیم اسلامی برای سرکوب تاکنون بهانه نخواست است. این رژیمی است که استاد پرونده سازی و سرکوب است. اما ما نمیگوئیم که درست در این مقطع جوانان به خیابان بیایند و شعار جمهوری سوسیالیستی بدهند و یا با نام سازمان جوانان کمونیست فراخوان به تظاهرات بدهند. هنوز برای اینکار زود است. کسی که در یک جامعه اختناق زده مثل جمهوری اسلامی زندگی کرده است، هنر استفاده از موقعیت و فرصتهای سیاسی را بخوبی میداند. استفاده از امکانات کار علنی و قانونی و جذب نیرو و گرفتن ابتکار عمل در صحنه اعتراضی، یک ویژگی کار کمونیستها در شرایط اختناق و استبداد سیاسی است. منظور از کار علنی و قانونی فعالیت در چهارچوب قوانین رژیم اسلامی و برسمیت شناختن آن نیست، بلکه استفاده از توازن قوای است که امکان حرکت و اعتراض و همینطور حفظ خود را میدهد. این را یک دانشجوی کمونیست، یک کارگر کمونیست و یک فعال سیاسی مخالف رژیم بخوبی درک میکند. امروز بحث و تبادل نظر در مورد احزاب و نیروهای سیاسی، بحث در باره هرچه که به زندگی مردم مربوط است، امری طبیعی در میان خانواده ها و محافل سیاسی و جمعهای گوناگون است. باید این مباحث را آگاهانه به نفع راه حل کمونیستی کارگری سوق داد. باید ادبیات و سیاست و تاکتیک کمونیستی را به نظر تعداد هرچه بیشتری از مردم تبدیل کرد. میتوان در پوششهای مختلف متشکل شد و در شبکه ای وسیع از روابط اجتماعی و روزانه با حفظ امنیت خود به تبلیغ و جذب نیرو برای آلترناتیو کمونیستی پرداخت. مسئله مهم اینست که مبارزه سیاسی ماهیتا علنی است و جذب نیرو برفع کمونیسم بدون

نقد و پس زدن افکار و راه حلهای ارتجاعی درون و بیرون حکومت امکانپذیر نیست. اما اینکار در تناسب قوای فعلی، که کمونیستها یکپارام امکانات تشکلهای قانونی طرفدار حکومت را ندارند، باید با درایت سیاسی انجام شود. **ثریا شهابی:** آلترناتیو بیرون حکومت همین امروز وجود دارد. جنبش سرنگونی طلبی مردم که چند سالی است ترس به دل هر دو جناح انداخته است حی و حاضر وجود دارد. این جنبش باید سمت و سویش را انتخاب کند. بی تردید جوانان، زنان، کارگران و اکثریت مردم می توانند و باید بطرف آلترناتیو کمونیست ها گرد آیند. این نه تنها بهانه بیشتری برای سرکوب نمی دهد که رژیم را ضعیف تر می کند و ماشین سرکوب اش را از کار می اندازد. اگر امروز جانوران اسلامی می توانند بساط شلاق و دار برپا کنند و هنوز امیدوار باشند که این نجاتشان دهد، به این خاطر است که مردم هرگز فرصت و امکان گرد آمدن دور کمونیسم را پیدا نکردند. این امکان و فرصت اما امروز فراهم شده است. وجود یک حزب کمونیستی، حزب کمونیست کارگری ایران، جدیت و عزم راسخ اش برای قرار گرفتن در راس جنبش سرنگونی و برای ایجاد یک دنیا بهتر، این فرصت و امکان را فراهم کرده است. اما در شرایط خفقان موجود چطور می توان گرد آلترناتیو کمونیستی گرد آمد؟ طبعاً ما وقتی می گوئیم که به ما بپیوندید منظور مان این نیست که دفتر حزب را در تهران و بقیه شهرها با نام و نشان همین امروز دایر کنید، کاری که اگر خفقان نبود بلافاصله می کردیم. ارتباط گرفتن، دانستن اینکه کمونیستها و مشخصاً حزب کمونیست کارگری ایران، چه می گوید و چه می خواهد اولین قدم در

**برنامه رادیویی سازمان سازمان جوانان کمونیست**

از **رادیواترنا سیونال**

**۲۵ متر**

**۱۱۶۲۵ کیلو هرتز**

**هر هفته شنبهها**

**۹:۳۰ تا ۹:۴۵ شب**

**بوقت تهران**

به دیگران اطلاع بدهید

**آینده از آن ماست !**



## آینده

پیوستن به آلترناتیو کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری ایران بیان تمام آمالها و آرزوی های انسانی جوانان است. طبیعی است که باید توسط جوانان انتخاب شود. این حزب علیرغم همه خفقان اسلامی، در دسترس است. رادیو و خارج کشور، تلفن، اینترنت، دوستان و آشنایانی که می دانید با این حزب ارتباط دارند کانالهای مطمئنی برای ارتباط با حزب و گرد آمدن دور آن است. حتما هر آدم علاقمندی می تواند به حزب از این طریق دسترسی پیدا کند، هر روز تماس اش را با حزب حفظ کند و با انجام آنچه

## جوانان کمونیست

هستند.

**ثریا شهابی:** فکر می کنم از مهمترین وظایف سازمان جوانان کمونیست، متشکل کردن جوانان در ایران و خارج کشور به دور خواست های کمونیستی است. اکثریت مردم ایران را جوانان تشکیل می دهند. تصور گردآوردن میلیونها جوان در سازمان جوانان کمونیست به اعتقاد من تصویری کاملا واقعیهانه است. سازمان جوانان کمونیست تنها جریانی است که در کنار جوانان و برای تحقق همه آنچه که امروز جوانان از آن محرومند، یعنی یک جامعه انسانی، مرفه، شاد و برابر کار می کند. این سازمان به سادگی می تواند در قلب جوانان ریشه ببلواند. مشکلی اگر هست، نیاز به هرچه بیشتر در دسترس قرار دادن این سازمان، اهداف و راه

حل هایش است. کمونیسم هیچگاه تا این اندازه راه چاره و درمان فوری درد های زنان و جوانان در ایران نبوده است. آزادیخواهی واقعی امروز در ایران تنها و تنها با کمونیسم و جریان مادیت یافته آن یعنی حزب کمونیست کارگری ایران معنا پیدا می کند. به شعارهای توخالی همه اپوزیسیون داخل و خارج حکومت نگاه کنید، یکی میخواید اسلام را تزیین کند و قرائت دیگری را حاکم کند، دیگری می خواهد تاج را جانشین عمامه کند، شاه را بجای ولی فقیه بنشانند، نظام شاهنشاهی با ارتش و ساواک و حزب رستاخیزش را احیا کند. فقط کمونیست ها هستند که رفاه و آزادی را همین امروز و برای همه میخواهند. به اعتقاد من وظیفه هر کسی که

و یک جامعه شایسته انسان امروز را نمایندگی میکند. کنگره اول سازمان به ورود همه جانبه به این جدال برای سرنگونی رژیم اسلامی، عقب راندن راه حلهای ارتجاعی و پیروزی افق سوسیالیستی تاکید کرد. این پیروزی و این آینده ممکن است اگر باندازه کافی قوی باشیم و مسیر درستی را طی کنیم. جوانان

سوسیالیست و رهبران عملی جنبش اعتراضی جوانان در این دوران تعیین کننده وظیفه سنگینی دارند. گرفتن ابتکار عمل در صحنه سیاست و بسیج نیرو حول آرمان و پرچم سوسیالیسم و کمونیسم کارگری و مقابله قاطع فکری و سیاسی با جریانهای ارتجاعی ضامن پیروزی است.

کنگره اول سازمان جوانان کمونیست به شما جوانان آزادیخواه و سوسیالیست درود میفرستد. کمونیسم کارگری نماینده آمال و آرزوهای انسانی شما و دهها میلیون مردم محروم ایران است. به صفوف سازمان جوانان کمونیست پیوندید و برای نبردهای سرنوشت ساز ایندوره و پیروزی تمام عیار سوسیالیستی به میدان بیایید.

## جوانان و اسلام

برحق میلیونها مردمی است که حکم رفتن این رژیم را داده اند. مشکل طغیان عظیم علیه اسلام و مذهب در جامعه ایران است که پرونده اسلام را برای دهه های متمادی خواهد بست. مشکل جنبشی است که به جامعه سکولار هم رضایت نمیدهد، میخواید مذهب را ریشه کن کند.

و باید برود. این حکم ما جوانان و مردم ایران است. سرنگونی رژیم اسلامی امری ممکن شده است. آنچه که باید معلوم شود تعیین تکلیف سیاست و آینده نظام سیاسی در ایران است. هرکسی باید از خودش سوال کند که چه میخواید. رفاه اقتصادی، آزادی سیاسی، برابری اجتماعی شهروندان، نفی حکومت پلیسی و اختناق و دستگاه سرکوب، تضمین حقوق فردی و اجتماعی و دخالت مستقیم شهروندان در امور خویش؟ و یا کارگر ارزان و بی حقوق، برده نظام سرمایه داری و بیحقوقی فردی و اجتماعی؟ این انتخابی واقعی و اجتماعی و طبقاتی است. سوسیالیسم یا سرمایه داری دو آلترناتیو سیاسی اجتماعی هستند که در فدای سرنگونی رژیم اسلامی وارد جدالی سرنوشت ساز میشوند. این جدال از هم اکنون شروع شده است. این زندگی و آینده ماست که دارد تعیین تکلیف میشود و سرنوشت آن را نیز خود ما باید تعیین کنیم.

سازمان جوانان کمونیست و حزب و جنبش کمونیسم کارگری یک طرف این جدال است که در مقابل کلیه راه حلهای ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی، پرچم آینده ای بهتر

برای تعیین مسیر سیاست و سرنوشت آتی یک جامعه ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. این کنگره در عین حال پیروزی دیگری برای جنبشی بود که زیر بار مضحکه "جمهوری اسلامی دوم" خاتمیون زفت و در اوج جار و جنجال و عوامفریبی دو خرداها و حامیانشان در اپوزیسیون و رسانه های غربی، علیه این مضحکه و کل حکومت اسلامی با تمام قدرت ایستاد. جنبشی که اجازه نداد مرتجعین و شکنجه گران دیروزی حکومت اسلامی، برای حکومت رو به زوال و پوسیده شان آبرو بخرند. جنبشی که ما نسل جوان ایران بخش

## پیام کنگره اول سازمان

## جوانان کمونیست به

## جوانان ایران

سرنوشت آینده در دست ماست!

جوانان آزادیخواه!

کنگره اول سازمان جوانان کمونیست در مقطع حساسی از اوضاع سیاسی ایران برگزار شد. این کنگره یک پیروزی سیاسی و یک سنگریندی برای جدالی سرنوشت ساز بود که فی الحال اکثریت عظیمی از مردم ایران و بویژه نسل جوان به آن وارد شده اند. دوره ای که جمال بین آزادی و ارتجاع در ایران و تلاش

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

سرمدبیر: بهرام مدرسی

تلفن: 0049 174 944 0201

آدرس سایت: www.jawanen.org

email: javanane-komunsit@web.de

دبیرسازمان جوانان کمونیست بهروز مدرسی

تلفن: 0049 172 295 7603

آدرس پستی:

Jawanen  
Postfach 62 05 15  
10795 Berlin /  
Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!